

# جامعه‌شناسی جوانی



محمد رضا زمردی



پدیده جوانی را می‌توان از چشم‌اندازهای زیستی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مورد مذاقه قرار داد. در چشم‌انداز زیستی، جوانی به مرحله‌ای خاص از رشد از گانیمسم انسان اطلاق می‌شود که مشخصات و خصوصیات معینی را موجب می‌گردد و به واسطه‌ی آنها از دوره‌های ما قبل و ما بعد متمایز می‌گردد. چشم‌انداز روان‌شناختی بحث عواطف و نگرش‌ها را در زویکرد خود به جوانی و بلوغ عمده می‌کند و این دوره را مرحله‌ای خاص از تحولات عاطفی، ادراکی در انسان می‌داند. این دو رویکرد می‌داند که در جامعه‌ی ما هر یک یا آمیزه‌ای از هر دو رواج چشمگیر دارند - هر چند که بخشی از واقعیت را بیان می‌کنند، لیکن از کفایت آرایه توضیح و تبیین جوانی و مسایل مرتبط با آنان برخوردار نیستند.

- در رویکرد جامعه‌شناختی به جوانی جوانان، به عنوان مساله‌ای اجتماعی نگریسته می‌شود، می‌توان گفت که بلوغ یکی از مراحل اساسی جامعه‌پذیری است که طی آن آگاهی مورد نیاز برای ایفای نقش‌های بزرگسالی به فرد منتقل می‌گردد. در واقع جامعه‌پذیری و درونی شدن دو مفهومی هستند که برای اشاره به فرایندهای رابط بین فردی عاری از هر گونه اجتماعی بودن و جامعه‌عاری از هر گونه فردیت به کار می‌رود (دارندورف، ۱۳۷۷: ۸۶). همداستانی افرادی که این دوره را طی می‌کنند

چنان است که می‌توان از خرده‌فرهنگ جوانان سخن به میان آورد. اعضای یک خرده فرهنگ که فرهنگی درون فرهنگ بزرگ‌تر محسوب می‌شود، ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود را دارند به طوری که در عین اثرپذیری از فرهنگ بزرگ‌تر، از آن متمایز می‌شوند (سازگارا ۱۳۷۷). در ایران خرده

## احساس ناامیدی در میان جوانان مساله ساز شده است

فرهنگ جوانان در عین حال با فرهنگ ملی و فرهنگ بین‌المللی دیالوگی برقرار کرده است. به نظر می‌رسد که در سنوات اخیر بخش عمده‌ای از جمعیت جوان در ایران (به ویژه در محیط‌های شهری پیشرفته‌تر) تمایل بیشتری به عناصر و علایم فرهنگ برون ملی یافته باشند که پیامدهای این گرایش بسیار وسیع و ژرف و تعیین‌کننده است، لذا سرمایه‌گذاری به منظور فرهنگ‌سازی برای جوانان را نمی‌باید منحصر و محدود به مساله اوقات فراغت برای جوانان دانست، بلکه ابعاد قضیه بسیار گسترده‌تر است.

- علیرغم این که جوانان نسبت به گذشته احتمالاً از سطح رفاه بالاتری برخوردار می‌باشد و امکانات ایشان تا حدی توسعه یافته است، اما رضایت آنها فزونی نیافته است. ریشه این واقعیت را می‌توان در بالا رفتن سطح توقعات جوانان ایرانی سراغ گرفت که این امر به نوبه خود حکایت از افزایش آگاهی‌های عمومی جوانان و وقوف ایشان از وضعیت موجود در بیرون از مرزها دارد.

- افزون بر این می‌توان از اقتصاد جوانی سخن به میان آورد، به این معنی که جوانان نوعی بنگاه برای مصرف کالا و خدمات را شکل می‌دهند. در واقع ویژگی‌های فرهنگ مصرف جوانان به واسطه سبک‌ها و مدهایی که می‌پروراند از کودکان و بزرگسالان متمایز می‌شود البته این روال میان قشرهای اجتماعی متفاوت، ممکن است اشکال گوناگونی را به خود بگیرند.

- نکته قابل توجه این که بخشی از جوانان در ایران به فرهنگ دانشگاهی راه می‌یابند. قطع نظر از این که پاره‌ای از عوامل اجتماعی - نظیر طبقه اجتماعی و میزان تحصیلات والدین - بر این موفقیت‌ها و ناکامی‌هایی که ناشی از این موفقیت‌ها هستند (یعنی راه نیافتگان به دانشگاه) موثرند، پیامدهای متعددی نیز بر این دو دسته شدن جوانان مترتب است. در واقع بخشی بزرگ از جوانان پشت سد کنکور متوقف می‌شوند. این قضیه



شکاف میان خود جوانان را موجب می‌گردد. به نظر می‌رسد که شکاف مزبور می‌تواند گرایش‌های ضد و نقیضی را میان این دو گروه از جوانان ایجاد کند، به طوری که قرار گرفتن مسالمت‌آمیز ایشان در کنار یکدیگر و کار کردن با هم در آینده به سادگی میسر نخواهد بود.

### با وجود توسعه یافتگی امکانات جوانان، رضایت آنها افزایش نیافته است

در سنخ‌بندی اعتراض‌نمادین جوانان در می‌یابیم که اعتراضات ایشان می‌تواند در قالب صورت متفاوتی تبلور یابد، گاهی این اعتراض به صورت سیگار کشیدن ظهور می‌کند و گاهی به شکل بی‌اعتنایی به نه‌جراها و ارزش‌های ریشه‌دار سنتی، فرهنگی و دینی تجلی می‌یابند. این گونه عملکردها نیز واکنش بخش سنتی جامعه را بر می‌انگیزد. واکنش مزبور نیز ضمن تشدید شکاف نسلی، خشم این گروه از جوانان را شعله‌ورتر می‌کند.

- دختران جوان نیز ممکن است جریانات خاصی را تشکیل دهند. ایشان به منظور حذف فاصله با

نیمه غالب جامعه و رفع نابرابری‌ها جنسیتی ممکن است به سمت تقلید شیوه‌های مردانه سوق یافته و الگوهای رفتاری - کلامی جدیدی را در افکنند. نتیجه این فرایند نه برابری که مردانه شدن این گونه از زنان و دختران است. کسانی که برای نیل به موقعیت‌های حرفه‌ای بالاتر از احساسات و روال‌های دست و پا گیر زنانه در می‌گذرند و اصطلاحاً دچار زنانگی زدایی (Defeminixation) می‌شوند. پیامدهای این گونه تحولات بر شخصیت فرزندان در خانواده‌های این گونه از زنان بسیار تأمل‌انگیز است.

- شایان ذکر است که با توجه به تنوع قومی گسترده در ایران، فرهنگ جوانی می‌تواند میان اقلیت‌ها و اقوام مختلف، اشکال و خصوصیات متفاوتی به خود بگیرد. جای پرسش است که آیا جوان تهرانی و جوان شهرستانی مسایل یکسانی دارند که در بحث‌های کلی و رسمی به طور کلی از جوانان یاد می‌شود. بنابر این ملاحظات، مناسب است که در طرح‌های پژوهشی جامعی که چند سالی است از سوی وزارت ارشاد تحت عنوان بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان به انجام می‌رسد، مسایل مرتبط با جوانان سهم بیشتری پیدا کند، تا برای پژوهشگران امکان مطالعات تطبیقی نیز فراهم گردد و صرفاً در این خصوص به کلی‌گویی‌های سطحی‌نگرانه بسنده نشود.

- نکته قابل ملاحظه دیگر به جایگاه جوانان در بازار کار مربوط است. در موضوع گیری‌های رسمی و شمارگونه عنوان می‌شود که برای جوانان نقش تصمیم‌گیری مستقل در نظر گرفته شود. این در حالی است که این گروه نوعاً به لحاظ اقتصادی وابسته است و بدین اعتبار تصمیم‌گیری ایشان نیز کاذب خواهد بود و بیشتر تحت تأثیر انواع عواملی به انجام می‌رسد که چون انواع جاذبه‌ها از صیغه‌های گذرا برخوردارند. در واقع خواست خودمختاری در جوانان با بیکاری ایشان به شدت در تعارض قرار می‌گیرد. پیامدهای بیکاری جوانان در زمینه‌هایی مانند جرم و جنایت، اعتیاد به مواد مخدر، رشد نامتوازن شخصیت دزدی و سرقت، انزوایلی از جامعه، بی‌اعتمادی به روندهای سیاسی، از هم پاشیدگی خانواده‌ها و زندگی‌های مشترک زناشویی جدید و در یک کلام تضعیف وفاق و تعادل ملی جامعه خودنمایی می‌کنند (محمدی اصل ۱۳۸۱: ۷). افزون بر این، فقدان گزینه‌های متنوع و امکان ناپذیری تجربه مشاغل متفاوت به منظور شناسایی کمال مطلوب و مطبوع حرفه‌ای و شغلی برای هر

فرد جوان، به قسمی ملال‌زدگی در زندگی شغلی می‌انجامد و تبعات مخرب فراوانی در سطوح خود (افراد)، میانه (نهاده‌ها و سازمان‌ها) و کلان (ساختارهای اجتماعی) بر جای خواهد نهاد.

- در جمع‌بندی لازم است به احساس ناامیدی در نسل اخیر جوانان (نسل سومی‌ها) اشاره شود. احساسی که زائیده انباشت ناگامی و تحقیر از یک سو و نابرابری و تبعیض از دیگر سو است. این عوامل موجبات فرصت طلب شدن این جوانان را فراهم آورده است. یعنی با رسیدن جوانان به این تلقی و احساس که همه خیانت کرده‌اند و دیگران عاملین ایجاد وضعیت نامطلوب برای او هستند، رفته‌رفته شخصیت ضد اجتماعی پیدا می‌کند. و روحیه‌ای در وی تکوین می‌یابد که هم کارو تلاش و هم تحصیل را عبث می‌انگارد و به دنبال ضربه زدن به جامعه از طرق مختلف می‌رود. آیا چنین افرادی هرگز می‌توانند کارگزاران شایسته‌ای برای توسعه کشور باشند؟

در خاتمه تأکید می‌شود فقط کسانی حق سخن گفتن از جوانان و مسایل آنها را دارند که ضمن آشنایی کامل با دغدغه‌ها و مشکلات و علایق و جهان‌نگری و نیازهای واقعی جوانان در ایران، جرات و جسارت حرکت به همراه تحولات ژرف اجتماعی را داشته باشند. به نظر می‌رسد که گاه اصلاح زاویه دیدمان نسبت به جوانان فرا رسیده باشد. نیروی اجتماعی تأثیرگذار و تعیین‌کننده‌ای که اگر از ظرفیت‌های عظیم ایشان برای ساختن بهره‌گیری نگردد، قطعاً راه تخریب کردن را خود یافته و به آن راه گرایش می‌یابند.

\*\*\*

#### منابع:

- دارنورف، رالف؛ انسان اجتماعی: ترجمه غلامرضا خدیوی، انتشارات آگه: ۱۳۷۷.
- سازگار، پروین؛ نگاهی به جامعه‌شناسی: انتشارات کویر، ۱۳۷۷.
- محمدی اصل، عباس؛ بیکاری همای جوانان رشد می‌کند: روزنامه ابرار، دوشنبه ۱۳۸۱/۱/۲ شماره ۳۰۶۹- ص ۷.

